

# امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)

صورتی:	مادت برابری: ۱۰ صبح	نمره: ۱۴	ملت پایگونی: ۷۰ دقیقه
غیر صورتی:	مادت برابری: ۱۰ صبح	نمره: ۱۶	ملت پایگونی: ۸۰ دقیقه

شماره یا نام مصحح اول	نمره بر عدد	نمره بر حروف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره بر عدد	نمره بر حروف

نیم سال اول ۹۵-۹۶

رشته فقه ورودی مهر ۹۳

مهر مدرسه

کد امتحان:	۳۹۵۱/۰۸
تاریخ:	۱۳۹۵/۱۰/۲۳
عنوان:	اصول فقه ۵
کتاب:	دروس فی علم الاصول «الحلقة الثالثة»
مردود:	جزء دوم: از ابتدای درس ۴۷ (ارکان استصحاب) تا پایان کتاب (ص ۳۹۱-۳۳۶)

نام و نام خانوادگی: ..... نام پدر: ..... کد طلایی: ..... مدرس علی: ..... شهرتان: ..... استان: .....

۱- آیه الله خویی (ره) استصحاب را مختص چه شبهاتی می داند؟ ص ۲۷۱

الف. الشک فی المقتضی

ب. الشک فی المانع

ج. الموضوعية

د. الحکمیة

۲- کدام گزینه مثال برای عدم نعنی است؟ ص ۳۰۰

الف. عدم عدالة زيد قبل وجوده

ب. عدم عدالة زيد بعد وجوده

ج. عدم زيد بعد وجود ابيه

د. عدم زيد قبل وجوده

۳- دلیل عدم تعارض مصطلح بین دو اصل عملی چیست؟ ص ۳۱۷

الف. لانتفاء المدلول المكشوف فيهما

ب. لعدم التنافی بین مدلولیهما

ج. لعدم حجیة مثبتاتهما

د. لقصور ادلة حجیتهما

۴- کدام گزینه بیانگر ویژگی «قرینه منفصله» است؟ ص ۳۲۶

الف. مانع انعقاد الظهور التصوری

ب. مانع انعقاد الظهور التصدیقی

ج. مانع حجیة الظهور التصدیقی

د. مانع حجیة الظهور التصوری

۵- در صورت «إذا افترضنا دليلاً ظنياً دلالةً و سنداً معارضاً لدليل ظني دلالةً و قطعی سنداً» آیا «دلیل تعبد به سند ظنی» در تعارض، داخل

می شود؟ چرا؟ ص ۳۶۳

الف. نعم؛ لان دليل حجیة السند و الظهور مترابطان

ب. نعم؛ لان دليل حجیة السند و الظهور واحد

ج. لا؛ لانه لا محذور فی التعبد بكلا السندین

د. لا؛ لان السند فی احدهما قطعی

۶- شهید صدر (ره) چه اشکالی به استصحاب تخییر برای اثبات «تخییر استمراری» وارد می کند؟ ص ۳۸۹

الف. انه شك بین التعین و التخییر

ب. لیس فی التخییر مقتضی البقاء

ج. الاشتغال حاکم علی الاستصحاب

د. انه من استصحاب الحكم المعلق

۷- با توجه به عبارت «الشک فی البقاء هو الركن الثاني من ارکان الاستصحاب، و يتفرع علی ركنیته ان الاستصحاب لا یجری فی الفرد

المردد» چگونه تفرع استصحاب فرد مردد را بر رکنیت شک در بقاء توضیح دهید. ص ۲۴۶ - ۲ نمره

جواب: چون اگر مراد از استصحاب فرد مردد اثبات بقاء فرد به عنوان تفصیلی اش باشد ما شک در بقاء نداریم چون اگر آن فرد زید بوده است الآن قطعاً مرتفع شده است و اگر مراد از استصحاب فرد مردد اثبات بقاء فرد به عنوان اجمالی آن باشد رکن شک در بقاء، محقق است لکن رکن چهارم وجود ندارد چون هیچ اثر شرعی بر عنوان اجمالی مترتب نمی شود.

۸- با توجه به عبارت «أما في باب الموضوعات فالاعتراض ينشأ من أن الأثر الشرعي مترتب على أفراد الجامع لا على الجامع بعنوانه فلا يترتب على استصحابه اثر» اشكال بر استصحاب کلی در موضوعات را توضیح داده، جواب شهید صدر (ره) را به اختصار بنویسید. ص ۲۸۸ -

۲ نمره

جواب: با توجه به اینکه جامع به ما هو جامع همان کلی عقلی است که فقط در ذهن موجود است و از طرفی احکام بر طبایع بما هو حاکی از خارج تعلق می‌گیرد یعنی موضوع احکام انسان موجود در خارج است نه انسان ذهنی در نتیجه استصحاب جامع به ما هو جامع دارای اثر شرعی نیست، جواب شهید صدر (ره): [اگر مراد از اینکه اثر شرعی مترتب به افراد جامع است یعنی اینکه حکم شرعی در لسان دلیل بر عنوان تفصیلی دو فرد تعلق گرفته است که با مدعای ما که موضوع تکلیف عنوان جامع است تغایر دارد و] اگر مراد از افراد جامع، این است که جامع در موضوع حکم به ما هو حاکی از خارج اخذ شده است، سخن صحیحی است و استصحاب در جامع به ما هو خارج جاری می‌شود به عبارتی اصلاً مدعای ما استصحاب جامع به ما هو جامع نیست تا بگوییم جاری نمی‌شود. [در صورت ارائه پاسخ دوم نمره کامل داده شود]

۹- دلیل موافقین جریان استصحاب در هر سه صورت مجهولی التاریخ را تبیین نمایید. ص ۳۰۵ - ۲ نمره

جواب: قائلین به جریان استصحاب: زیرا بقاء جزئی که می‌خواهیم استصحاب کنیم در دو صورت جهل به هردو زمان و جهل به زمان ارتفاع مستصحب مشکوک البقاء است [مانند استصحاب عدم کربت در صورتی که زمان تبدیل به کر و زمان ملاقات هر دو مجهول باشند و یا زمانی که زمان تبدیل به کر مجهول و زمان ملاقات معلوم باشد] و در صورتی که جزء مشکوک البقاء نباشد [مانند استصحاب عدم کربت در صورتی که تبدیل به کر معلوم و زمان ملاقات مجهول باشد] در این صورت اگر چه نسبت به قطعات زمان بما هی هی مشکوک نیست ولی به قیاس زمان نسبی (وجود جزء دیگر) مشکوک البقاء است.

۱۰- مراد از «انقلاب نسبت» هنگام ورود دو عام متباین مانند: «یجب اکرام الفقراء» و «لا یجب تکریم الفقراء» و یک خاص مانند: «لا یجب تکریم الفقراء الفساق» را به همراه دلیل محقق نائینی (ره) تبیین نمایید. ص ۳۳۵ - ۲ نمره

جواب: دلیل «لا یجب تکریم الفقراء الفساق» دلیل «یجب اکرام الفقراء» را تخصیص می‌زند به اینصورت که «یجب اکرام الفقراء العدول»؛ حال آیا رابطه بین «یجب اکرام الفقراء» و «لا یجب اکرام الفقراء» لحاظ می‌شود که رابطه تباین است و یا رابطه بین «یجب اکرام الفقراء العدول» و «لا یجب اکرام الفقراء» یعنی بعد از انقلاب نسبت لحاظ می‌شود که رابطه عموم و خصوص مطلق است. (۵/نمره) دلیل: معارضه بین دو حجت است و عام اول در عموم حجت نیست در نتیجه، نسبت منقلب می‌شود. (۵/نمره)

۱۱- در وجه تقدم اماره بر اصل هنگام تعارض اصل و اماره برخی قائل به ورود و برخی قائل به حکومت شده‌اند، قول هر کدام را تبیین نمایید. ص ۳۴۹ و ۳۵۰ - ۱ نمره

جواب: تقدم به دلیل ورود: موضوع دلیل اصل عدم العلم بما هو دلیل است و حجة خبر آن را دلیل قرار می‌دهد پس موضوع دلیل اصل را حقیقة رفع می‌کند. تقدم به دلیل حکومت: موضوع دلیل اصل عدم العلم بما هو کاشف تام است از طرفی مفاد دلیل حجت اماره، آن را تعبداً علم قرار داده است پس دلیل حجت رافع موضوع اصل است تعبداً.

۱۲- وجه امتناع و غیر معقول بودن جعل حجت واحد و جعل حجتین مشروطین در عبارت «أما البحث الثبوتی، فقد یقال فیه: إن الحجية التخيرية غیر معقولة، لانه إما أن یراد بها جعل حجية واحدة أو جعل حجتین مشروطتین» را بنویسید. ص ۳۷۶ و ۳۷۷ - ۲ نمره

جواب:

اولی ممتنع است زیرا حجت واحد یا برای خصوص یکی از خبرها است که با فرض تخیری بودن حجت ناسازگار است یا برای جامع به نحو مطلق الوجود ثابت است که باید برای هر دو خبر ثابت باشد، در حالی که با هم متعارضند و یا باید برای جامع به نحو صرف الوجود ثابت باشد که لازم‌اش عدم جریان حجت به فرد است و صرف وجود جامع هم مدلولی ندارد تا دلیل حجت خبر شامل آن شود. بنابر این جعل حجت واحد غیر معقول است.

اما جعل حجتین مشروطین ممتنع است زیرا حجت هر یک از خبرها اگر مشروط به التزام به آنها باشد لازم می‌آید در صورت عدم التزام به هیچ‌یک از آنها، هیچ کدام حجت نباشد و اگر مشروط به التزام به ترک دیگری باشد لازم می‌آید در صورت التزام به ترک هر دو، هر دو خبر حجت باشند.

\* سؤال زیر مختصّ طلاب غیر حضوری مکاتبه‌ای می‌باشد:

۱۳- مراد از عبارت «ان دلیل التقييد على اقسام: القسم الاول: ان يكون دالا على التقييد بعنوانه، فيكون ناظراً بلسانه التقييدى الى المطلق و يقدم عليه» را به همراه مثال تبیین نمایید. نحوه تقدم دليل تقييد و سبب آن را توضیح دهید. ص ۳۳۰ و ۳۳۱ - ۲ نمره

جواب: یکی از اقسام تقييد آن است که دليل تقييد، با عنوان تقييد دلالت بر تقييد داشته باشد مثلاً مولا بگوید: «اعتق رقبة» سپس بگوید: «عتق الرقبة مقيد بكونها مومنة» در این صورت تقدم دليل دوم بر اول از باب حکومت است زیرا دليل دوم ناظر به دليل اول و مفسر آن به نحو شخصی است در نتیجه از تقييد اصطلاحی که اعداد نوعی است خارج شده تحت حکومت که اعداد شخصی است داخل می‌شود.